موافقت ارتکاز متشرعه با ماهیت وضعی صوم

لذا چیزی که ارتکاز کل متشرعه است، این است که صوم یک حالت حکم وضعی دارد. جلسه قبل عرض کردم. وضعی است یعنی چه؟ یعنی کل دارد؛ کل این اجزاء صوم به حالت وضعی به هم بند هستند. مثل کاسه‌ای چینی می‌ماند که وقتی آن را شکستید دیگر شکسته است. اگر بین روز کسی خورد، این روز دیگر روزه نمی‌شود. این در ارتکاز متشرعه خیلی روشن است. ثابت است. اگر بحثی کنید تا بخواهید این را از دست متشرعه بگیرید، این بحث بلافایده است. یعنی در این حد که بخواهد این را بگیرد.

این ارتکاز هم به قدری قوی است که شاید در این سده اخیر، مفتین محکم فتوا می‌دهند. متن عروه را ببینید؛ می‌گوید معلوم است که وقتی روزه را خورد، دیگر تمام است؛ «یفسد صومه». فقط در یک موردی که سهوا باشد یا در مواردیکه جا افتاده است، صحیح است. و الا در این موارد «یفسد صومه». ایشان اینها را محکم دارند. طبق همین ارتکاز هم هست. سائرین هم دارند. فقط یک مورد در کتاب «الصوم في الشريعة الاسلامية الغراء» دیدم.

در فدکیه دو-سه صفحه به هم مربوط است. این چیزی که امروز گذاشتم این بود: «صحت صوم-وضع-تکلیف-امکان و عدم امکان تجزي»؛ یعنی صوم می‌تواند متجزی شود یا نه؟ ارتکاز بر این است که صوم برای خودش یک حکم وضعی یک پارچه دارد. ما از این ارتکاز نمی گذریم. محکم است.

شاگرد: چه ارزش و پشتوانه ای دارد؟

استاد: ببینید چندین پشتوانه دارد. یکی آن قانونی است که قبلاً در حکمت تقنینی عرض کردیم. این قانون برای کل عقلاء است، چه برسد به شارع که خالق العقل و رئیس العقلاء است. حکمت تقنینی این است که هر گزینه ای در تقنین است، اقرب الطرق و انظم الطرق می‌باشد. هم در تقنین نظم بیشتری را برقرار می‌کند و هم کوتاه‌ترین راه است. حکمت تقنینی این است که این را انتخاب کند. احکامی که در صوم هست؛ مفطرات ده تا است، نه تا است، هشت تا است...؛ مدام بگوییم این را نخور، آن را نخور، این کار را بکن، آن کار را نکن، اینها صوم می‌شود. ای اینکه بگوییم وقتی تو صائم هستی یعنی الآن کل روز تو، چیزی دارد که کل اجزاء آن به‌عنوان ماهیت شرعیه صوم، باید محفوظ بماند. مثل نماز که می‌گوییم موضوع مخترع شرعی است. روزه هم مانعی ندارد که بگوییم یک موضوع شرعی مخترعه است. وقتی می‌گویید «بنی الاسلام علی الخمس؛ علی الصوم و ...» چه چیزی به ذهنتان می‌آید؟ روزه. روزه یک ماهیت شرعی با ضوابط خودش است. این ماهیت که دیگر تکلیف نیست، وضع است. تعریف خاص خودش را دارد. ولو ماهیتی است که مستند به خلق شارع است.

شاگرد: مراداتان از وضع، موضوع مستنبطه است؟

استاد: نه، مراد ما از وضع این است که همه اجزاء آن طوری به هم بند هستند که اگر در آن خلل آمد، کل آن باطل می‌شود.

شاگرد۲: مرکب اعتباری است.

استاد: مرکب اعتباری ِوضعی است. ده رقم ترکیب داریم. مرکب اعتباری وضعی است. یعنی موجب بطلان می‌شود. « ولو انکسر احد اجزائه بالطعام او المفطر، تفرق کل اجزاءه»؛ دیگر این صوم، آن صوم نیست.

شاگرد: داعی شما برای اینکه نام وضعی را بگذارید چه بود؟

استاد: در فقه، حکم وضعی همین است. انواع و اقسامی دارد. مُحرِم؛ حالت محرم؛ بعد از اینکه محرم تلبیه گفت، می‌گوییم حالا دیگر تو محرم هستی. باید از احرام در بیایی. ارتکاز متشرعه چیست؟ صرفاً این است که نباید کارهایی را بکنی؟! ای اینکه حال احرام برای تو است؟! این احرام یک حکم وضعیای است که شارع قرار داده و لازمه آن حرمت ترک احرام است. نه اینکه نفس ترک، احرام باشد.

شاگرد۲: قنوت جزء وضعی هر نمازی است؟

استاد: آن را بعداً عرض می‌کنم. من می‌خواهم از ارتکازات فاصله نگیرید. فقط اگر با یک ادله‌ای برخورد کردیم که با ظاهر ادله جور نیست، برگردیم و ببینیم با هم توافق دارند یا ندارند. من اتفاقا بهدنبال همین هستم. پس وضع به این معنا است. حکم وضعی، یعنی شارع موضوعی را در نظر می‌گیرد؛ می‌گوید صیام این است و حالا واجب است. صوم این است که کل روز تو بهعنوان اجزاء بههمپیوسته، ماندن نماز؛ باید بینش چیزی صورت نگیرد که آن را بشکند. مثل نماز که می‌گوییم اقل و اکثر ارتباطی است. اجزاء صوم هم بهعنوان یک کل، اقل و اکثر ارتباطی هستند. استقلالی نیستند که بگوییم وقتی دو ساعت چیزی نخوردی ثواب روزه را به تو می‌دهند، و چون بقیه آن را خوردی گناه بقیه را به تو می‌دهند. نه، وقتی خوردی کل روزه را نگرفتی، کل اجزاء برای تو محو شده است.

شاگرد: منظم بودن و کوتاه بودن در تقنین، چه ارتباطی با وضع داشت؟ یعنی وقتی منظم‌ترین حالت اتفاق بیافتد، باید وضعی باشد؟

استاد: بله، الآن ما تصور روشنی از ماهیت صوم داریم. حالا امر می‌کنیم که این کار را انجام بده و همه احکام آن هم می‌آید. دیگر نیاز نداریم که حکم‌ها را جدا جدا مخاطب قرار بدهیم. من همیشه به ملکیت مثال می‌زدم. وقتی شما معامله را می‌گویید، می‌توانید بگویید وقتی معامله انجام شد، حق داری بفروشی، حرام است دیگری در این تصرف کند و ...؛ یعنی می‌توانی سیصد حکم بیاوری، و ای اینکه می‌توانی بگویید مالک او است و انتقال ملکیت شده و همه احکام هم به دنبالش می‌آید.

شاگرد: پس اولویت حکم وضعی است مگر اینکه خلافش که حکم تکلیفی است اثبات شود.

استاد: بله. جلوترها هم عرض کرده بودم. مرحوم صاحب کفایه در اینجا نسبت به فضای علمی، حق دارد. چون مرحوم شیخ در رسائل ادعای شهرت ای اجماع کرده بودند که ما اصلاً حکم وضعی استقلالی بدوی نداریم، هرچه هست اعتباری است و منتزع از تکالیف است. آن بحث را خیلی سنگین می‌کرد. اما مرحوم صاحب کفایه این بحث را کنار گذاشتند. از جاهای خیلی خوب کفایه است. یعنی در اینجا صاحب کفایه بر فضای علمی، حق دارند. حق اینکه نگذاشتند آن حرف با آن پشتوانه محکمی که مرحوم شیخ گفتند جا بگیرد. چون بسیاری از مباحث علمی، کند می‌شود و مشکلاتی پیش می‌آید. اما ایشان نگذاشت.

خُب در مانحن فیه اگر چنین ارتکازی از صوم هست، پس تبعض بردار نیست. اما عرض کردم ما از این ارتکاز نمی گذریم. ارتکازی درست است. اما... .

شاگرد: پشتوانه های این ارتکاز را می‌گفتید؛ یکی از آن‌ها حکمت تقنین بود.

استاد: شاید در اینهایی که الآن می‌گویم باشد.

بازبینی #1
ایجاد شده 3 مه 2026 15:47:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 مه 2026 15:48:51 توسط ... .